

پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳
صفحه ۵۴۱-۵۶۴

سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله مطالعه موردی: دهستان گشت، شهرستان سراوان

حمداالله سجاسی قیداری* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
طاهره صادقلو- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
اسلام رئیسی- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۵

چکیده

بلایای طبیعی در طول تاریخ جزء گزیرناپذیر زندگی انسان بوده‌اند و در میان آنها زلزله از مخرب‌ترین بلایا در جهان و ایران به‌شمار می‌آید. این بلای طبیعی سالانه خسارت‌های جانی و مالی بسیاری به مناطق روستایی کشور -که آسیب‌پذیری‌شان بیشتر از مناطق شهری است- وارد می‌آورد. مدیران بهره‌مند از دانش و آگاهی می‌توانند نقشی اساسی در مدیریت بحران‌های طبیعی مانند زلزله داشته باشند و آسیب‌های ناشی از آن را به‌حداقل برسانند. مدیریت محلی آگاه به اصول، مهارت‌ها و شیوه‌های مدیریت بحران در روستاها، نقش جدی در کاهش آثار بلایای طبیعی خواهد داشت. مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان دانش مدیریت بحران میان مدیران محلی مناطق روستایی (دهیاران و شوراهای) انجام شد. برای رسیدن به هدف پژوهش از روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی از طریق شیوه مطالعه اسنادی و پیمایشی برای پاسخگویی به پرسش تحقیق در منطقه روستایی دهستان گشت استفاده شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل، از آزمون T برای مشخص کردن میزان دانش مدیریت بحران بین مدیران محلی و از مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه الکترونیک (ELECTRE) برای اولویت‌بندی روستاهای منطقه براساس سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی استفاده شد. نتایج نهایی تحقیق نشان می‌دهند که براساس آزمون T، میانگین آماره آزمون هیچ‌کدام از شاخص‌ها بالاتر از میانگین مطلوب نیست و سطح دانش مدیریت بحران میان مدیران روستاهای مطالعه‌شده پایین‌تر از حد متوسط است. نتیجه اولویت‌بندی مدیران محلی روستاها نیز نشان داد که روستاهای گشت، اله‌آباد و کسوری به‌ترتیب بالاترین سطح دانش مدیریت بحران را درمقایسه با سایر روستاها دارند و سطح دانش مدیریت بحران تقریباً نزدیک به متوسط است.

کلیدواژه‌ها: الکترونیک، دانش مدیریت بحران، دهستان گشت، زلزله، مدیران محلی، MCDM.

حمدالله سجاسی قیداری و همکاران _____ سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله

مقدمه

نواحی روستایی از نخستین مناطق آسیب‌پذیر در مواجهه با مخاطرات طبیعی زلزله هستند (رضوانی، ۱۳۹۰، ۲۰) که زندگی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی‌شان در معرض خطر است (Phillips, 2010, 2415؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶، ۶۴). این مناطق، با توجه به موقعیت جغرافیایی و طبیعی‌شان تحت تأثیر مخاطرات طبیعی مانند زلزله قرار دارند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۵) و به‌علت پایین‌بودن سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران زلزله در منطقه، درمقایسه با دیگر سکونتگاه‌های انسانی در برابر مخاطرات طبیعی آسیب‌پذیرترند. در مناطق روستایی، مدیریت محلی نزدیک‌ترین سطح مدیریتی به روستاییان است که می‌تواند نقش اساسی و محوری در کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌ها و خطرهای داشته باشد. نکته مهم در این زمینه، بهره‌مندی و اطلاع از دانش لازم در فرایند مدیریت بحران است (شریفی، ۱۳۸۸، ۲). بنابراین، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌تواند مدیران محلی روستایی را در مدیریت بحران یاری کند، دانش و آگاهی در زمینه بحران و نحوه مدیریت آن است. مدیران محلی، در مواقع بروز بلایای طبیعی مانند زلزله، به‌علت ضعف شناخت و دانش در زمینه مدیریت بحران، دچار سردرگمی می‌شوند. این درحالی است که امروزه مدیران نهادهای سازمانی و محلی برای کنترل و کاهش بلایای طبیعی دانش را به‌عنوان سرمایه و ابزار مد نظر قرار می‌دهند (نکودری و یعقوبی، ۱۳۹۰، ۹۶). با توجه به افزایش خسارت‌های ناشی از وقوع حوادث و بلایای گوناگون در سطح مناطق روستایی، دهیاران و شوراهای روستایی برخوردار از دانش و آگاهی در زمینه مدیریت بلایای طبیعی از جمله زلزله، می‌توانند برنامه‌های افزایش ایمنی و کاهش آسیب‌پذیری جامعه روستایی را تحقق بخشند.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان و سطح دانش و آگاهی مدیریت بحران زلزله نزد مدیران محلی روستایی در دهستان گشت - از منطقه‌های روستایی زلزله‌خیز در امتداد خط گسل سراوان در جنوب‌شرق کشور- است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: سطح

برخورداری مدیران محلی (دهیاران و شوراها) از دانش و آگاهی مدیریت بحران به‌ویژه در زمینه زلزله چگونه است؟

چارچوب نظری

وقوع بلایای طبیعی و پیامدهای ناشی از آنها در جهان و به‌ویژه مناطق روستایی، حذف‌شدنی نیست و همیشه احتمال آن وجود دارد (Ghafory, 2005, 2). وقوع مخاطراتی مانند زلزله همواره امکان‌پذیر است و فقط از طریق برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از شیوه‌ها و ابعاد جدید مدیریتی می‌توان از پیامدهای گوناگون و آسیب‌ها و خسارت‌های ناشی از آنها کاست (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱۵). به‌همین دلیل کاهش خسارت‌ها و آسیب‌های مربوط به بحران‌ها و بلایا نیازمند مدیریت است، که از طریق مجموعه فعالیت‌های پیوسته و مداوم (تسلیمی، ۱۳۸۴، ۱۵) و سیستمی منسجم با بهره‌گیری از علوم، تکنولوژی و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از بحران، آثار آن کاهش می‌یابد و آمادگی لازم برای مقابله حاصل می‌شود (دراک و جی هواتمر، ۱۳۸۳، ۲). مدیریت بحران در واقع پیشگیری، برنامه‌ریزی و ارزیابی برای کاهش و به‌حداقل‌رساندن عواقب احتمالی بحران‌هاست (Marwitz et al., 2008, 93) که از طریق برنامه‌ریزی امکان‌پذیر می‌شود (Jaques, 2007, 148). مدیریت بحران به‌عنوان تخصصی علمی و کاربردی، مستلزم برخورداری از مهارت‌ها، ابزارها و عوامل گوناگونی است که یکی از مهم‌ترین آنها «دانش» است. دانش شامل آگاهی و درک مجموعه‌ای از اطلاعات و چگونگی استفاده بهینه از آن اطلاعات است. به‌عبارت دیگر، دانش شکل غنی‌شده و بارور شده اطلاعات است که با درک چگونگی و چرایی همراه است (Davenport and Grover, 2001, 4). بنابراین دانش از مقایسه، شناسایی مستمر و ارتباطات حاصل می‌شود که دربرگیرنده خبرگی، آگاهی و درک به‌دست‌آمده از طریق تجربه یا مطالعه است (دانپورت و پروساک، ۱۳۷۹، ۲۴). امروزه انجام هرگونه فعالیت در هر سطحی بدون داشتن دانش ویژه آن امکان‌پذیر نیست. به‌همین دلیل اکنون همه سازمان‌ها و افرادی که در کاهش یا جلوگیری از بحران‌ها فعالیت می‌کنند، اذعان دارند که با

پیشرفت فناوری اطلاعات دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی درمقابل بحران‌ها به موفقیت دست یافت. اجرای مراحل مدیریت بحران (کاهش، آمادگی، پاسخ، بازگشت و بازسازی) نیازمند داشتن دانش متناسب با هر اقدامی است که به بهترین نحو مجموع اطلاعات موجود را به کار می‌گیرد. از آنجاکه مدیران - به‌ویژه در سطح محلی - اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به محل‌های وقوع بحران هستند، به دانش و آگاهی لازم و کافی برای اقدامات مهم به‌منظور مدیریت وضعیت بحرانی نیاز دارند. مدیریت بحران در هر مرحله با هدف کاهش آسیب‌ها صورت می‌گیرد و دانش، آگاهی و اطلاعات ویژه‌ای را می‌طلبد که مدیران در مواجهه با هر مرحله باید دانش ویژه آن را داشته باشند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مهارت‌هایی که به مدیران در حل بحران و کاهش آسیب‌های ناشی از آن کمک می‌کند، آگاهی و دانش درخصوص ماهیت، ابعاد و جنبه‌های گوناگون بحران است. اغلب مدیران محلی به‌دلیل پایین‌بودن سطح دانش و آگاهی‌شان درخصوص مدیریت بحران، در مواقع بروز بلایای طبیعی دچار سردرگمی می‌شوند و به همین سبب هزینه‌های بحران در مقیاس محلی بالا می‌رود. شناخت سطح دانشی و به‌دنبال آن نیازهای دانشی مدیران محلی درمورد بحران برای ارائه آموزش‌های لازم، اهمیت بسیار دارد.

دانش مدیریت بحران

امروزه مدیران پیشرو و جدید در زمینه دانش مدیریت بحران تلاش می‌کنند تا از طریق شناسایی زمینه‌های بحران و نقاط آسیب‌پذیر ناشی از آن، اقدامات لازم و مقتضی را برای پیشگیری، آمادگی و کاهش آثار بحران انجام دهند. در بیانیه شماره ۲ سند پروتکل بین‌المللی هیوگو ژاپن^۱ در سال ۲۰۰۵، شکاف‌ها و چالش‌های موجود در زمینه کاهش خطرهای ناشی از بحران و مدیریت آن در پنج زمینه اساسی دسته‌بندی شد. یکی از آن محورها، مدیریت بحران

1. World Conference On Disaster Reduction, Japan, Hyogo, 2005

دانش‌محمور مبتنی بر تبدیل دانش در مرحله پیش از حادثه است و موارد زیر را دربر می‌گیرد (اخوان و درویش‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۴۵):

۱. تبدیل دانش ضمنی به دانش ضمنی: با برگزاری کلاس‌های آموزشی، مانورها، همایش‌ها و کنفرانس‌ها.

۲. تبدیل دانش ضمنی به دانش صریح: به صورت مکتوب، تصویر، فیلم و مانند اینها.

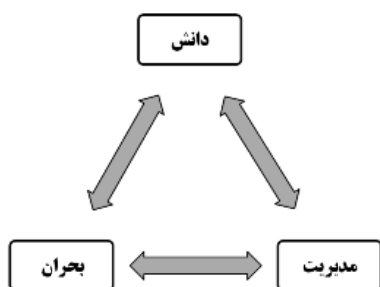
۳. تبدیل دانش صریح به دانش صریح: با تدوین کتاب و نشریات مرتبط و انتشار آن در سازمان.

۴. تبدیل دانش صریح به دانش ضمنی: با مطالعه و یادگیری و انجام‌دادن، بیان‌کردن و تجربه‌شدن.

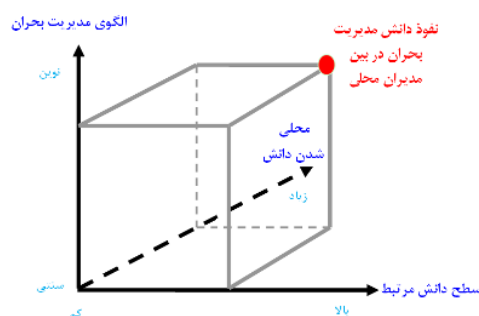
البته آنچه گفته شد به معنای نبود دانش در الگوهای مدیریتی سنتی نیست، بلکه با مقایسه دیدگاه‌های گوناگون مدیریت بحران با یکدیگر می‌توان به تفاوت‌های سطح، نوع و مقیاس دانش مدیریت بحران دست یافت (وزین، ۱۳۸۶، ۳۱؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶، ۶۶). دیدگاه سنتی: در این دیدگاه مدیریت بحران صرفاً به مسئله امداد و نجات و کمک‌رسانی به‌شکل موردی می‌پردازد و کار اصلی آن پس از وقوع حادثه آغاز می‌شود. در این دیدگاه، آگاهی و دانش لازم در زمینه بحران صرفاً محدود به مرحله بازسازی و امداد‌رسانی است و مهارت‌های دانشی نیز از نوع «دانش سطحی» است که فقط بازه زمانی بعد از وقوع بحران برای کمک‌رسانی را دربرمی‌گیرد.

دیدگاه نوین: در این دیدگاه، موضوع امداد و کمک‌رسانی فقط یکی از بخش‌های چرخه مراحل مختلف مدیریت بحران را تشکیل می‌دهد و مدیران به‌جای انتظارکشیدن، خود را از جنبه‌های گوناگون برای پیشگیری و برخورد مؤثر با بحران آماده می‌کنند. در این شیوه از مدیریت بحران، مهارت و دانش برای مدیریت بحران در سطوح مختلف مدیریتی از جمله بین مدیران محلی به‌عنوان بازوهای اجرایی- شکل می‌گیرد و بر آن تأکید می‌شود (شکل ۱). در الگوی نوین مدیریت بحران، دانش میان کلیه سطوح مدیریتی توزیع می‌شود و در همه مراحل

چرخه مدیریت بحران به آن توجه می‌شود (جعفری و همکاران، ۱۳۸۵، ۳۲). مدیریت بحران در صورت بهره‌مندی از دانش می‌تواند پیامدهای منفی بحران‌ها و مخاطرات را به شدت کاهش دهد و در غیر این صورت، اثربخشی و کارایی آن بسیار ضعیف خواهد بود (شکل ۲).



شکل ۲. چرخه پیوند مفهومی دانش مدیریت بحران



شکل ۱. دانش مدیریت بحران در بین مدیران محلی

دانش مدیریت بحران به پنج مقوله سازماندهی، ارتباطات، تصمیم‌گیری، شناخت عوامل بحران و طراحی می‌پردازد و هرچه سازماندهی نیروهای مقابله‌کننده با بحران بیشتر باشند، کنترل بحران آسان‌تر است (یاراحمدی خراسانی، ۱۳۸۴، ۴۴). در مجموع می‌توان گفت که دانش مدیریت بحران عبارت است از مجموعه‌ای از دانش (صریح یا ضمنی، خودآگاه یا ناخودآگاه) که به فرد، گروه یا سازمان امکان پیگیری یا مدیریت اثربخش بحران یا آثار ناشی از آن را می‌دهد. دانش مدیریت بحران، مجموعه‌ای از دانش است که امکان برنامه‌ریزی برای پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل، اداره و حل بحران را فراهم می‌سازد. هدف دانش مدیریت بحران تلاش برای شناسایی و افزایش سطح دانشی افراد در خصوص مراحل مختلف مدیریت بحران و اقداماتی است که مدیران باید در هر یک از مراحل بحران از آن آگاهی داشته باشند، آن را فرا بگیرند و متناسب با آن عمل کنند.

دانش مدیریت بحران در چارچوب الگوی جامع مدیریت بحران

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، در مطالعات علمی مدیریت بحران به‌طور کلی سه مرحله پیشگیری/قبل از بحران، آمادگی و مقابله/حین بحران، و بازسازی/پس از بحران برای مدیریت بحران در نظر گرفته شده است (Coppola, 2007, 8؛ وزین، ۱۳۸۶، ۲۹). براساس ماهیت برخورد با بحران در هر مرحله، به دانش خاصی از مدیریت بحران نیاز است و مدیران می‌بایست دانش اولیه را درمورد اینکه در هر مرحله از بحران چه اقدامی باید انجام شود، فراگیرند.

دانش مدیریت بحران در فاز پیشگیری: دانش بیمه‌کردن دارایی‌ها، پیشگیری از ساخت‌وسازهای غیرقانونی، اجرای آیین‌نامه‌های ساخت‌وساز (اسکلت‌بندی، آرماتوربندی ساختمان‌ها)، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، آگاهی از مکان‌های پرخطر محلی (مانند خط گسل‌ها، رودخانه‌ها و حریم آنها)، آگاهی از شیوه‌های گوناگون اطلاع‌رسانی حادثه، مدیریت کاربری اراضی (وزین، ۱۳۸۶، ۳۴ و ۵۶)؛ دانش تحلیل خطر، ارزیابی امکانات (مالی و انسانی) موجود، ثبت اطلاعات، مکان‌یابی برای تخلیه اضطراری ساکنان، تهیه اطلاعات کلی و محوری از مکان، و ذخیره اقلام امدادی، دارویی و غذایی برای ساکنان.

دانش مدیریت بحران در فاز آمادگی و مقابله: دانش امدادهای اولیه، اسکان موقت و بازسازی (گرکز و همکاران، ۱۳۸۳)؛ دانش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های اصلی (اصلاح‌زاده، ۱۳۸۶، ۱۰)؛ دانش امکانات و محدودیت‌های محل و منطقه، تشکیل تیم مدیریت بحران محلی، و دانش عمومی درخصوص بحران‌ها (بوالهروی و چیمه، ۱۳۸۶)؛ دانش اسکان موقت، دانش برقراری ارتباط با مراکز ذی‌ربط، ایجاد امنیت، مدیریت بازماندگان و مجروحان، تخمین خسارت‌های مالی و جانی، مدیریت حوادث پس از بحران مانند پس‌لرزه، مدیریت و کنترل حریق، نشت گاز، و بسیج عمومی و سازماندهی نیروهای محلی (گرکز و همکاران، ۱۳۸۳؛ وزین، ۱۳۸۶، ۵۶)؛ دانش اطلاع‌رسانی و به‌کارگیری تیم‌های امداد و نجات (تشکیل بیمارستان صحرائی، مددکاری روانی، سم‌پاشی‌ها بهداشتی احتمالی و ...)؛ دانش مدیریت کشف و تشخیص هویت و دفن اجساد، مدیریت هزینه‌ها، کالاها و خدمات کمکی دریافتی، قطع شریان‌های آب،

برق و گاز، اطفای حریق‌های مهارشدنی، ایجاد امنیت جانی و مالی برای آسیب‌دیدگان و بازماندگان، امداد و کمک‌های اولیه برای آسیب‌دیدگان، و انتقال ساکنان به محل‌های تخلیه اضطراری و اسکان موقت.

دانش مدیریت بحران در فاز بازسازی: دانش پاک‌سازی نخاله‌ها و ضایعات و آلودگی‌ها، بهبود وضعیت اردوگاه‌های اسکان موقت، شناخت محل‌های جدید ساخت بناها و تأسیسات، تخمین و برآورد میزان خرابی‌ها (گرکز و همکاران، ۱۳۸۳؛ وزین، ۱۳۸۶، ۵۶).
 اخوان و درویش‌زاده در مطالعه‌شان براساس مدل مدیریت دانش بحران ایرل^۱، دانش و آگاهی لازم برای مدیریت بحران در مراحل مختلف را به‌صورت جدول ۱ بیان کردند.

جدول ۱. دانش لازم برای مدیریت بحران

فازهای مدیریت بحران	دانش لازم برای مدیریت بحران
فاز پیشگیری و کاهش اثر	- دانش شناسایی مناطق بحرانی (محل غسل‌ها) - دانش مقاوم‌سازی ساختمان‌ها - دانش تشویق به بیمه‌کردن دارایی‌ها - دانش ارائه آموزش‌های عمومی مقابله با بحران
فاز آمادگی و مقابله	- دانش تشکیل تیم‌های گروهی - دانش رهبری مردمی - دانش کار با سیستم‌های هشدار و اطلاع‌رسانی - دانش نحوه تهیه، ذخیره‌سازی و توزیع مواد غذایی و دارویی در شرایط بحرانی
فاز بازسازی	- دانش پاک‌سازی نخاله‌ها و ضایعات و آلودگی‌ها - دانش بهبود وضعیت اردوگاه‌های اسکان موقت - دانش شناخت محل‌های جدید ساخت بناها و تأسیسات - دانش تخمین و برآورد میزان خرابی‌ها

منبع: اخوان و درویش‌زاده، ۱۳۹۰، ۱۵۵

1. Earl

برخورداری مدیران محلی از دانش لازم در زمینه مدیریت بحران، آنان را درخصوص نحوه پیشگیری و آمادگی آگاه می‌سازد و به مدیران بالادستی برای مدیریت بحران یاری می‌رساند. دانش حداقلی لازم برای مدیریت اولیه بحران و مخاطره در مناطق روستایی به دست مدیران محلی در هر مرحله از چرخه مدیریت مخاطره متفاوت است؛ اما به یقین ضروری‌ترین دانش لازم که حداکثر کارایی را نیز دارد، مربوط به مرحله پیش از بحران یا مخاطره است (موسوی، ۱۳۹۰، ۵). به عنوان نمونه، مدیران در مرحله آمادگی باید دانش لازم برای اقدامات حفاظتی و رعایت استانداردهای ساختمان‌سازی (کالبدی- فیزیکی) را داشته باشند تا با مقاومت‌سازی بتوانند زمینه آسیب‌پذیری بافت‌های کالبدی روستاها را به حداقل برسانند. در مورد واکنش/عملکرد مدیران محلی باید دانش لازم برای اقدام در سطح محلی و عکس‌العمل‌های ضروری وجود داشته باشد.

در بیشتر موارد مشاهده می‌شود که مدیران محلی به دلیل ضعف دانش در زمینه بحران و مدیریت آن، در حوادث منفعلانه عمل می‌کنند. در مرحله امداد رسانی باید دانش‌های حداقلی درخصوص نحوه رساندن بموقع کمک‌های اولیه و بهداشتی و توزیع آن در سطح محلی را داشته باشد. در زمینه هماهنگی نیروهای عمل‌کننده، مدیران محلی می‌بایست دانش توانایی نحوه جلب همکاری و هماهنگی نیروهای ازپیش آموزش‌دیده و داوطلب را کسب کنند. همکاری و هماهنگی سازمان‌های ذی‌ربط محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در زمان وقوع بحران به منظور تسهیل و کنترل و کاهش خسارت‌های ناشی از آن نیز در این مرحله قرار می‌گیرد. در مرحله واکنش و بازسازی انتظار می‌رود که مدیران محلی دانش نحوه اسکان بازماندگان، توزیع کمک‌ها و نحوه بازسازی را داشته باشند (جدول ۲).

جدول ۲. دانش لازم برای مدیران محلی به منظور مدیریت بحران

دانش مرحله پیش از بحران	درک مفاهیم پایه بحران (بلا، سانحه، فاجعه و جز اینها)؛ آموزش عمومی مردم در زمینه بحران و حوادث؛ مقاوم سازی بناها و ساختمان‌ها؛ بیمه ساختمان‌ها؛ هماهنگی بین ارگان‌ها و سازمان‌ها؛ ایجاد کمیته بحران با گروه‌های مردمی؛ اطلاع از حوادث و نقاط آسیب‌پذیر روستا؛ شرکت در دوره‌های آموزشی مدیریت بحران؛ برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریت بحران؛ استفاده از بانک‌های اطلاعاتی مربوط به بحران؛ روش‌های اولیه مقابله با بحران؛ نحوه مشارکت و درگیر کردن مردم در فرایند مدیریت بحران؛ دانش پیامدها و آثار بحران و مخاطره؛ آگاهی از سطوح سازمانی مدیریت بحران
دانش مرحله حین بحران	اطلاع‌رسانی؛ توزیع بهینه کمک‌های امدادی و امکانات اولیه؛ تمیذات بهداشتی؛ هماهنگی نیروهای عمل‌کننده؛ برقراری امنیت؛ مدیریت زنان و کودکان بی‌سرپرست؛ اسکان و اعزام مجروحان
دانش مرحله پس از بحران	نحوه اسکان دائم بازماندگان؛ مددکاری و مشاوره‌های روانی؛ ساماندهی کمک‌های داخلی و خارجی؛ نحوه بازسازی مناطق آسیب‌دیده

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۲

شوراها به‌عنوان مدیران تصمیم‌گیر و دهیاران به‌عنوان مدیران اجرایی روستاها نقش محوری در مدیریت بحران و مخاطره در مناطق روستایی دارند (موسوی، ۱۳۹۰، ۶-۵). شورا و دهیار به‌عنوان آخرین سطح از مدیریت کلان کشور، مهم‌ترین تشکیلاتی هستند که مستقیم با امور مدیریتی روستاها و زندگی روزمره روستاییان در سطح مدیریت محلی در ارتباط‌اند و نقش مهمی در مدیریت و سازماندهی طرح‌ها و برنامه‌ها در روستاها دارند. شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها می‌توانند در زمینه پیشگیری از سوانح در سه عرصه ساخت‌وساز با تأکید بر مکان‌یابی صحیح ساختمان و تأسیسات، نوع مصالح و مدیریت صحیح ساخت‌وسازها؛ عرصه فعالیت، با کنترل و نظارت مؤثر بر بهره‌برداری متناسب از آب، زمین و پوشش گیاهی؛ و عرصه زیست‌محیطی، با حفاظت از اراضی مرتعی و جنگلی، ایجاد فضاهای سبز و حفاظت از آنها فعالیت کنند (معصوم، ۱۳۸۲، ۵). ازین‌رو داشتن آگاهی و دانش در زمینه این حدود و وظایف، آگاهی از نوع مخاطرات پیش روی اجتماعات روستایی، نحوه کنترل این مخاطرات و عرصه‌های

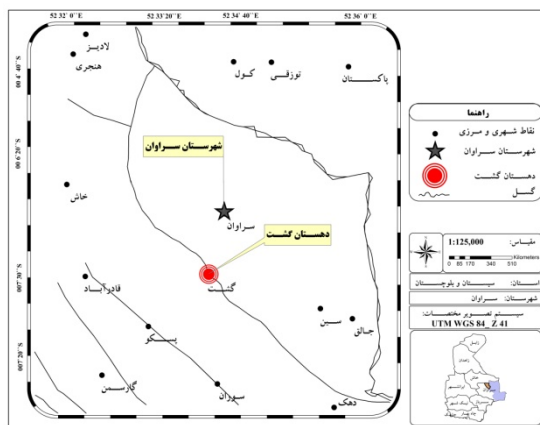
تحت تأثیر آن، نحوه اقدام در مراحل مختلف مدیریت بحران (پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازسازی) و شیوه‌های آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم روستا و سازماندهی آنها به‌عنوان اهرم‌هایی خودجوش در زمان وقوع مخاطرات تا حد زیادی می‌تواند بر محیط روستا تأثیر بگذارد. ضعف در دانش مدیریت بحران بین مدیران محلی، آسیب‌های ناشی از بحران‌ها و مخاطرات را در مناطق روستایی افزایش می‌دهد و از موانع اصلی جلب مشارکت‌های مردمی به‌شمار می‌آید. لذا برای کاهش خسارت‌ها و آسیب‌های مربوط به بحران‌ها و بلاها، آگاه‌سازی مدیران محلی برای اقدام در مراحل مختلف بحران ضرورت دارد (Hansson et al., 2008, 27).

منطقه مطالعه شده و روش‌شناسی تحقیق

دهستان گشت از توابع بخش مرکزی شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان است و طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیتی برابر با ۷۴۱۴ نفر و ۱۶۷۵ خانوار و ۸۴ روستا دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). موقعیت جغرافیایی دهستان گشت میان دو شهرستان سراوان و خاش است، که از جنوب‌شرقی به شهرستان سراوان با مسافت ۶۵ کیلومتر و از شمال‌غربی به شهرستان خاش با مسافت ۹۵ کیلومتر محدود شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۵۰ متر است. این منطقه یکی از زلزله‌خیزترین نواحی شهرستان است که روی خطوط گسل سراوان قرار دارد. ۲۷۰ کیلومتر از گسل سراوان داخل ایران است و انتهای جنوب‌شرقی آن با راستای تقریباً شرقی- غربی وارد خاک پاکستان می‌شود و راندگی با شیب ۴۵ درجه‌ای است که در امتداد آن چشمه‌های متعددی دیده می‌شود. وقوع زمین‌لرزه در این منطقه خسارت‌های جانی و مالی به‌همراه دارد و طبق مشاهدات میدانی و آمارهای موجود، تخریب‌ها و خسارت‌های مالی (تخریب ساختمان) بیش از خسارت‌های جانی بوده است (مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ۱۳۹۲).

مطالعه حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و ماهیت کاربردی به‌دنبال بررسی و سنجش میزان دانش مدیریت بحران زلزله میان مدیران محلی روستایی (دهیار و شوراها) دهستان گشت شهرستان سراوان است، که دو گام اساسی را دربرمی‌گیرد: ۱. تعیین شاخص‌ها و

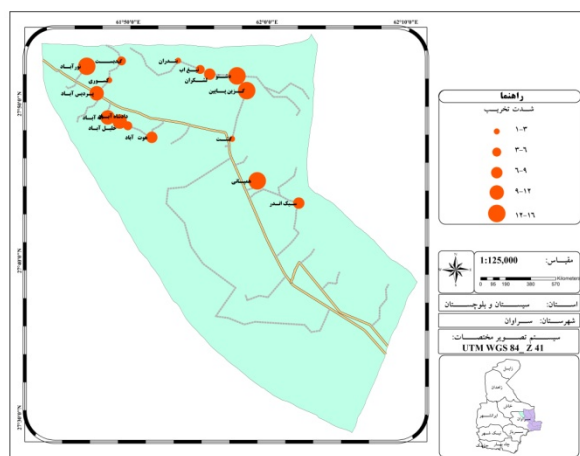
معیارهای سنجش دانش مدیریت بحران میان دهیاران که با استفاده از مطالعات موضوعی تحقیق و مطالعات کتابخانه‌ای- اسنادی و آرشیوی صورت گرفته است و ۲. مطالعات میدانی که به شیوه پیمایشی پرسشنامه انجام شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و اولویت‌بندی میزان برخورداری مدیران محلی روستایی از دانش مدیریت بحران هم‌زمان از آزمون T تک‌نمونه‌ای و از مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه الکترونیک (ELECTRE) استفاده شده است. با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) نقشه‌های خطوط گسل و پهنه‌بندی نواحی تحت ریسک مخاطره زلزله تهیه شده و در سطح دهستان با توجه به روستاهای موردنظر، پراکندگی فضایی روستاها، محدوده جغرافیایی، نقاط زلزله‌خیز و حدود و شعاع قرارگیری روستاها نیز تعیین شده است (شکل ۳).



شکل ۳. نقشه خطوط گسل در منطقه مطالعه شده

نمونه‌گیری روستاهای این دهستان براساس آمار و اطلاعات میزان تخریب مالی و شدت خسارت‌های وارد شده در مخاطرات پیشین، به‌ویژه زلزله سال ۱۳۹۱ منطقه سراوان صورت

گرفت. در مجموع، ۱۶ روستا به‌عنوان نمونه و از هر روستا یک دهیار و سه شورا به‌عنوان جامعه مدیران محلی (۶۴ نفر) با روش تمام‌شماری انتخاب شدند و پرسشنامه دریافت کردند (شکل ۴).



شکل ۴. نقشه شدت تخریب در مناطق روستایی مطالعه‌شده

داده‌های به‌دست‌آمده ابتدا از آزمون T تک‌نمونه‌ای برای مشخص کردن سهم میانگینی برخورداری دانش در هر یک از مؤلفه‌های مدیریت بحران در سه دوره پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران پردازش شد. سپس برای اولویت‌بندی سطح دانش مدیریت بحران در روستاهای منطقه در حال مطالعه از مدل تصمیم‌گیری الکترون استفاده شد. مزیت‌های این مدل تصمیم‌گیری در مقایسه با دیگر روش‌ها چنین است: ۱. از مفهوم جدید غیررتبه‌ای به‌جای رتبه‌بندی گزینه‌ها استفاده می‌شود، ۲. کلیه گزینه‌ها با استفاده از مقایسه غیررتبه‌ای ارزیابی می‌شوند و از این طریق گزینه غیرمؤثر حذف می‌گردد، و ۳. کلیه مراحل برمبنای یک مجموعه هماهنگ و یک مجموعه ناهماهنگ پایه‌ریزی شده است. استفاده از الکترون در تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه به اهمیت نسبی شاخص‌هایی که از آنها استفاده می‌شود بستگی دارد. برای تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه به‌روش الکترون، گزینه‌ها و شاخص‌های اولویت‌بندی، و وزن

شاخص‌ها و رتبه‌بندی گزینه‌ها تعیین می‌شوند. «ساسمن، روی و بنایون» در سال ۱۹۹۶ این روش را ابداع کردند. در این روش گزینه‌های رقیب با استفاده از مقایسه‌های غیررتبه‌ای ارزیابی و سنجش می‌شوند. برای هر زوج از گزینه $(K \neq L, K, C)$ یک مجموعه هم‌هنگ (مشمول بر کلیه شاخص‌هایی که گزینه K بر گزینه L ترجیح دارد) و یک مجموعه ناهم‌هنگ (مکمل مجموعه هم‌هنگ) محاسبه می‌شود. کلیه مراحل بعدی محاسبات بر مبنای این دو مجموعه صورت می‌گیرند و به همین دلیل این روش به آنالیز هم‌هنگی نیز معروف است. در این روش به جای رتبه‌بندی گزینه‌ها از مفهوم جدیدی به نام «غیررتبه‌ای» استفاده می‌شود. بدین صورت که مثلاً $A_k \rightarrow A_l$ بیان می‌کند که اگرچه گزینه‌های l, k هیچ ارجحیتی از نظر ریاضی به یکدیگر ندارند اما تصمیم‌گیر و تحلیل‌گران ریسک بهتر بودن A_k را بر A_l می‌پذیرند. در این روش کلیه گزینه‌ها با استفاده از مقایسه‌های غیررتبه‌ای ارزیابی می‌شوند و از آن طریق گزینه‌های غیرمؤثر حذف می‌گردند. مقایسه‌های زوجی بر اساس درجه توافق اوزان (W_j) و درجه اختلاف از مقادیر ارزیابی‌های وزین (V_{ij}) استوار است و هم‌زمان برای ارزیابی گزینه‌ها آزمون می‌شوند (اصغرپور، ۱۳۸۵، ۲۸۶؛ پورطاهری، ۱۳۸۹).

یافته‌های تحقیق

برای تحلیل و شناسایی وضعیت موجود دانش مدیریت بحران بین مدیران محلی، ابتدا آزمون T تک‌نمونه‌ای انجام شد و سپس از طریق مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه الکترونیک، سطح دانش مدیریت بحران در روستاها اولویت‌بندی گردید. تحلیل میانگین عددی حاصل از متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که همه متغیرها پایین‌تر از سطح مطلوب میانگین عددی ۳ هستند. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که معناداری کلیه متغیرهای دانش مدیریت بحران بین مدیران محلی روستایی پایین‌تر از حد مطلوب است، به طوری که از دیدگاه پاسخگویان سطح معناداری پایین‌تر از 0.05 ارزیابی شده است.

جدول ۳. میانگین و سطح معناداری متغیرهای دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی

فاصله اطمینان ۹۵٪		مطلوبیت عددی آزمون شده = ۳					میانگین	مؤلفه‌ها
پایین‌تر	بالا‌تر	تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t آزمون			
-۰/۴۳۶	-۰/۸۴۳۳	۰/۶۴۸۴۴	۰/۰۰۰	۶۳	۶/۶۱۵	۲/۳۵	دانش مفاهیم پایه بحران	
-۲/۲۵۷۲	-۰/۸۷۹۷	-۰/۵۲۳۴	۰/۰۰۰	۶۳	-۳/۹۲۸	۲/۴۷	دانش آموزش عمومی	
-۰/۴۵۲۵	-۰/۹۲۲۵	-۰/۶۸۷۵۰	۰/۰۰۰	۶۳	-۵/۸۴۷	۲/۳۱	دانش مقاوم‌سازی	
-۰/۴۰۵۹	-۰/۸۷۵۳	-۰/۶۴۰۶۳	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۴۵۵	۲/۳۵	دانش بیمه	
-۰/۶۰۵۸	-۱/۰۷۳	-۰/۸۳۹۸۴	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۱۷۲	۲/۱۶	همانگی بین ارگان‌ها و سازمان‌ها	
-۰/۷۰۵۹	-۱/۱۵۳	-۰/۹۲۹۶۹	۰/۰۰۰	۶۳	-۸/۳۰۲	۲/۰۷	ایجاد کمیته بحران	
-۰/۸۲۶۵	-۱/۲۵۹	-۱/۰۴۲۹۷	۰/۰۰۰	۶۳	-۹/۶۲۷	۱/۹۵	اطلاع از نقاط آسیب‌پذیر روستا	
-۱/۱۰۲۶	-۱/۵۳۰	۱/۳۱۶۴۱	۰/۰۰۰	۶۳	-۱۲/۳۰۴	۱/۶۸	شرکت در دوره‌های آموزشی	
-۱/۰۴۸	-۱/۳۸۹	۱/۲۱۸	۰/۰۰۰	۶۳	-۱۴/۲۶۳	۱/۷۸	برگزاری دوره‌های آموزشی	
-۰/۷۱۴۴	-۱/۱۵۲	-۰/۹۳۳۵۹	۰/۰۰۰	۶۳	-۸/۵۱۰	۱/۰۶	استفاده از بانک‌های اطلاعاتی	
-۱/۰۲۵	-۱/۴۱۰	-۱/۲۲۲۶۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۱۳/۰۲۷	۱/۷۷	دانش مقابله با بحران	
-۰/۶۲۸۷	-۱/۱۴۴	-۰/۸۶۶۷۲	۰/۰۰۰	۶۳	-۶/۸۶۶	۲/۱۱	دانش نحوه مشارکت	
-۰/۵۳۴۸	-۱/۰۵۱	-۰/۷۹۲۹۷	۰/۰۰۰	۶۳	-۶/۱۳۷	۲/۲۰	دانش شناخت آثار بحران	
-۰/۶۶۷۲	-۱/۱۷۶	-۰/۹۲۱۸۸	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۲۳۴	۲/۰۷۸۱	آگاهی از سطوح نهادی مدیریت بحران	
-۰/۶۶۴۷	-۱/۱۷۱	-۰/۹۱۷۹۷	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۲۴۳	۱/۰۸۲۰	اطلاع‌رسانی	

ادامهٔ جدول ۳. میانگین و سطح معناداری متغیرهای دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی

فاصلهٔ اطمینان ۹۵٪		مطلوبیت عددی آزمون شده = ۳					
بالاتر	پایین تر	تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجهٔ آزادی	آمارهٔ آزمون t	میانگین	مؤلفه‌ها
-۰/۸۷۵۰	-۱/۳۲۰	-۱/۰۹۷۶۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۹/۸۴۹	۱/۹۰۲۳	دانش توزیع بهینهٔ کمک‌ها
-۱/۰۱۰	-۱/۴۳۵	۱/۲۲۲۶۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۱۱/۴۹۲	۱/۷۷۷۳	دانش تمهیدات بهداشتی
-۰/۷۱۲۹	-۱/۲۰۱	-۰/۹۵۷۰۳	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۸۳۳	۲/۰۴۳۰	هماهنگی نیروهای عمل‌کننده
-۰/۳۷۵۶	-۰/۹۷۵۹	-۰/۶۷۵۷۸	۰/۰۰۰	۶۳	-۴/۴۹۹	۲/۳۲۴۲	دانش برقراری امنیت
-۰/۷۴۹۷	-۱/۱۸۷	-۰/۹۶۸۷۵	۰/۰۰۰	۶۳	-۸/۸۳۹	۲/۰۳۱۳	دانش مدیریت گروه‌های هدف
-۰/۴۴۲۸	-۰/۹۲۴۴	-۰/۶۸۳۵۹	۰/۰۰۰	۶۳	۵/۶۷۴	۲/۳۱۶۴	دانش اسکان و اعزام مجروحان
-۰/۶۸۳۵	-۱/۱۴۴	-۰/۹۱۴۰۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۹۲۴	۲/۰۷۵۹	دانش نحوهٔ اسکان دائم بازماندگان
-۰/۸۰۳۸	-۱/۲۷۴	۱/۰۳۹۰۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۸/۸۲۴	۱/۹۶۰۹	دانش مددکاری و مشاوره
-۰/۷۲۶۸	-۱/۲۲۶	۰/۹۷۶۵۶	۰/۰۰۰	۶۳	-۷/۸۱۵	۲/۰۲۳۴	دانش سلماندهی کمک‌ها
-۰/۷۴۳۶	-۱/۱۹۳	-۰/۹۶۸۷۵	۰/۰۰۰	۶۳	-۸/۵۹۸	۲/۰۳۱۳	دانش نحوهٔ بازسازی مناطق آسیب‌دیده

بنابر نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای می‌توان گفت که دانش مدیریت بحران بین مدیران روستاهای مطالعه‌شده پایین‌تر از حد متوسط است و تفاوت معناداری بین دانش لازم برای مدیریت بحران و دانش موجود مشاهده می‌شود. این نکته نشان‌دهندهٔ ضرورت توجه جدی به آموزش مدیران محلی روستاها به‌عنوان حلقهٔ اولیهٔ حاضر در محل در هنگام وقوع بحران است. با توجه به شرایط موجود دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستا، هیچ‌گونه عملکرد مثبتی

نمی‌توان از آنان انتظار داشت. این درحالی است که در قوانین مربوط به دهیاری‌ها و شوراهای روستایی به‌صراحت به وظایف مدیران محلی در مدیریت بحران اشاره شده است.

براساس شاخص‌های مربوط به دانش مدیریت بحران، سطح دانش مدیریت بحران در وضع موجود مدیریت روستایی نیز بررسی شد. ابتدا ماتریس داده‌های خام به‌عنوان پایه انجام تحلیل براساس مدل چندشاخصه الکره تشکیل شد. در تشکیل ماتریس داده‌ها، از میانگین داده‌ها در ۲۵ شاخص برای ۱۶ روستا استفاده گردید، به‌طوری که گویه‌های مرتبط با هر شاخص از طریق طیف لیکرت اندازه‌گیری شد و میانگین هر شاخص براساس تعداد مدیران محلی هر روستا، مبنایی برای ارزیابی سطح دانش مدیریت بحران زلزله روستاهای مطالعه‌شده قرار گرفت. سپس بر اساس داده‌های خام حاصل از پرسشنامه‌ها مقادیر هر معیار به‌تفکیک مراکز روستایی طیف‌بندی شدند و پس از تشکیل ماتریس داده‌های خام، استانداردسازی آنها انجام گرفت. آنگاه وزن هریک از شاخص‌ها با استفاده از نظر ۱۷ کارشناس ستاد مدیریت بحران شهرستان سراوان در مورد شاخص‌ها از طریق تابع رتبه‌ای $[n-r_i+1]^2$ استخراج شد (جدول ۴).

جدول ۴. وزن هریک از شاخص‌ها

شاخص	وزن	شاخص	وزن
شاخص ۱	۰/۰۹۶	شاخص ۱۴	۰/۰۳۵
شاخص ۲	۰/۱۱۳	شاخص ۱۵	۰/۴۱
شاخص ۳	۰/۰۷۲	شاخص ۱۶	۰/۰۰۵
شاخص ۴	۱/۱۰۴	شاخص ۱۷	۰/۰۰۳
شاخص ۵	۰/۰۵۹	شاخص ۱۸	۰/۰۲۲
شاخص ۶	۰/۰۳۱	شاخص ۱۹	۰/۰۸۸
شاخص ۷	۰/۰۰۷	شاخص ۲۰	۰/۰۱۵
شاخص ۸	۰/۰۰۰	شاخص ۲۱	۰/۰۸۰
شاخص ۹	۰/۰۰۲	شاخص ۲۲	۰/۰۴۶
شاخص ۱۰	۰/۰۲۶	شاخص ۲۳	۰/۰۰۹
شاخص ۱۱	۰/۰۰۱	شاخص ۲۴	۰/۰۱۲
شاخص ۱۲	۰/۰۵۲	شاخص ۲۵	۰/۰۱۸
شاخص ۱۳	۰/۰۶۵		

سپس مقادیر ماتریس هماهنگ و ناهماهنگ تعیین شد و از ضرب این دو ماتریس، ماتریس نهایی به دست آمد. سرانجام براساس نتایج به دست آمده، اولویت بندی مدیریت محلی روستاهای مطالعه شده از نظر سطح دانش مدیریت بحران صورت گرفت (جدول ۵).

جدول ۵. اولویت بندی روستاها با توجه به سطح برخورداری مدیران محلی از دانش مدیریت بحران

روستاها	رتبه روستاها	روستاها	رتبه روستاها	روستاها	رتبه روستاها
اله‌آباد	۲	کسوری	۳	دادشاه‌آباد	۱۱
بندران	۴	گزن پایین	۸	نورآباد	۹
پردیس‌آباد	۸	گشت	۱	دشتو	۵
تیغ‌آب	۴	گیدبست	۱۰	سیکاندر	۶
خلیل‌آباد	۷	لشکران	۴	همپانی	۱۲
هوت‌آباد	۱۰				

همان‌طور که مشاهده می‌شود براساس شاخص‌های دانش مدیریت بحران در ابعاد سه‌گانه چرخه مدیریت بحران (پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران)، وضع موجود سطح دانش مدیریت محلی روستاهای گشت، اله‌آباد و کسوری به ترتیب - بهتر از سایر روستاهاست. این نتیجه صرفاً نشان می‌دهد که در وضع موجود، دانش مدیریت بحران مدیران این روستاها بهتر از سایر روستاها و نزدیک‌تر به حد متوسط مطلوبیت است. مدیران محلی روستاهای همپانی، دادشاه‌آباد، هوت‌آباد و گیدبست به ترتیب در پایین‌ترین سطح دانش مدیریت بحران قرار دارند. در شرایط عادی می‌توان گفت که سطح دانش مدیریت بحران در افراد می‌تواند با سطح سواد آنها مرتبط باشد، و سطح دانش افراد نیز با دسترسی به امکانات آموزشی و رسانه‌های جمعی افزایش خواهد یافت. بنابراین، سطح دانش افراد می‌تواند از عامل فاصله جغرافیایی تأثیر بپذیرد. بر این اساس رابطه‌ای بین دو عامل فاصله از شهر و میانگین سطح سواد در روستاها با رتبه سطح دانش مدیریت بحران آنها، بین مدیران محلی برقرار شده است. نتایج به دست آمده در هیچ‌کدام از موارد معنادار نیستند و از آلفا ۰/۰۵ بالاترند (جدول ۶).

جدول ۶. رابطه بین سطح سواد و فاصله از شهر با رتبه دانش بحران مدیران محلی روستاها

سطح سواد	ناپارامتری رتبه‌ای - رتبه‌ای	فاصله از شهر	ناپارامتری رتبه‌ای - فاصله‌ای
-۰/۴۴۶	همبستگی اسپیرمن	-۰/۰۸۵	همبستگی اسپیرمن
۰/۰۸۴	سطح معناداری	۰/۳۷۷	سطح معناداری
۱۶	تعداد روستاها	۱۶	تعداد روستاها

نتایج نشان می‌دهند که سطح فعلی دانش مدیریت بحران مدیران روستاهای مطالعه‌شده از هیچ الگوی منظم و قانونمندی پیروی نمی‌کند و آموزش منظم و ساختاریافته‌ای برای مدیریت بحران مدیران محلی ارائه نشده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مخاطرات و بحران‌های محیطی به‌عنوان پدیده‌های طبیعی جزئی از زندگی انسان روی کره زمین بوده‌اند و خواهند بود. زلزله یکی از پیچیده‌ترین و ناگهانی‌ترین مخاطرات طبیعی است که خسارت‌های ناگوار مالی و جانی متعددی را بر جامعه بشری به‌ویژه اقشار محروم و روستاها وارد می‌سازد؛ زیرا روستاییان به‌دلیل شرایط اقتصادی و الگوهای معیشتی‌شان، با محدودیت‌های مالی برای احداث سکونتگاه‌های مقاوم مواجه‌اند. ازین‌رو بیشترین آسیب‌های ناشی از زلزله در مناطق روستایی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه اتفاق می‌افتد که حجم بالایی از جمعیت نیز در آنجا زندگی می‌کنند. در چنین شرایطی مخاطرات طبیعی به بحران و حتی فاجعه بدل می‌شوند. یکی از شیوه‌های غیرسازی مؤثر در زمینه کاهش خسارت زلزله، برخورداری از دانش چگونگی آمادگی، پیشگیری، برخورد و بازسازی در محیط‌های زلزله‌خیز است. ازین‌رو بیش از پیش بر افزایش آگاهی و سطح دانش افراد در زمینه‌های مختلف کاهش آثار مخاطرات توجه می‌شود. در مناطق روستایی، مدیران محلی به‌عنوان بازوهای اجرایی دولت،

نقش اساسی در مدیریت بحران دارند و در صورت بهره‌مندی از دانش مدیریت بحران می‌توانند خسارت‌های مالی و جانی مخاطره‌ای طبیعی مانند زلزله را به حداقل برسانند.

در مطالعه حاضر، منطقه‌ای روستایی به نام دهستان گشت در جنوب شرق ایران که پتانسیل زلزله‌خیزی بالایی دارد، به‌عنوان منطقه مناسب برای مطالعه انتخاب شد. براساس معیارها و ملاک‌های دانش مدیریت بحران، بررسی و تحلیل از طریق آزمون T بین مدیران محلی روستاها (شوراها و دهیار) نشان داد که سطح دانش مدیران محلی در هیچ زمینه‌ای کافی نیست و در همه معیارها پایین‌تر از سطح متوسط است. در ادامه از طریق مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه الکترونیک تلاش شد تا مناطق روستایی از نظر وضع موجود سطح دانش مدیریت بحران‌شان رتبه‌بندی شوند. نتایج نشان دادند که براساس شاخص‌های دانش مدیریت بحران در ابعاد سه‌گانه چرخه مدیریت بحران (پیش از بحران، حین بحران و پس از بحران)، در وضع موجود به‌ترتیب مدیریت محلی روستاهای گشت، اله‌آباد و کسوری دارای سطح دانش بهتری در مقایسه با روستاهای دیگر هستند و مدیران محلی روستاهای همپانی، دادشاه‌آباد، هوت‌آباد و گیدبست به‌ترتیب پایین‌ترین سطح دانش مدیریت بحران را دارند. البته همان‌طور که در تحلیل نتایج آزمون T نیز اشاره شد، این به‌معنای خوب‌بودن سطح دانش مدیریت بحران نیست، بلکه صرفاً بیان می‌کند که وضع موجود دانش مدیریت بحران مدیران این روستاها بهتر از سایرین و نزدیک‌تر به حد متوسط مطلوبیت است.

نتایج همبستگی برقرارشده بین دو عامل فاصله از شهر و میانگین سطح سواد در روستاها با رتبه سطح دانش مدیریت بحران آنها گویای این نکته است که سطح فعلی و اندک دانش مدیریت بحران از الگوی منظم و قانونمندی پیروی نمی‌کند. بر این اساس یکی از اصولی‌ترین و مؤثرترین راهکارها برای کاهش آثار زلزله در مناطق روستایی، افزایش سطح دانش مدیریت بحران زلزله بین مدیران محلی (دهیاران و شوراها روستایی) است. راهکار مذکور را می‌توان با این شیوه‌ها دنبال کرد: ۱. برگزاری دوره‌های آموزشی متعدد نظیر امداد و نجات، و کمک‌های

اولیه؛ ۲. تهیه و توزیع بروشورهای آموزشی؛ ۳. تمرین‌های اضطراری مدیریت بحران؛ ۴. تشکیل گروه‌های مدیریت بحران روستایی؛ و ۵. ایجاد کمیته بحران با گروه‌های مردمی در روستاها. از آنجاکه مدیران محلی از نزدیک‌ترین افراد به محل وقوع رخداد‌های طبیعی در زمان وقوع حادثه‌اند، برخورداری آنها از سطح دانش مناسب می‌تواند از سطح آسیب‌ها بکاهد و شرایط مناسبی را برای بازتوانی پس از زلزله برای روستاییان فراهم سازد، تا آمادگی بهتری برای رخداد‌های پس از زلزله وجود داشته باشد.

منابع

- اخوان، پیمان و درویش‌زاده، مرضیه، ۱۳۹۰، ارائه چارچوب مدیریت بحران مبتنی بر مکاتب فکری مدیریت دانش ایرل در بحران زلزله، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، شماره ۶۷، دوره پاییز، صص. ۱۷۰-۱۴۳.
- اصغرپور، محمدجواد، ۱۳۸۵، تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- اصلان‌زاده، مرجان، ۱۳۸۶، طراحی مدلی کارا برای ساختار فیزیکی زنجیره تأمین امدادسانی بر پایه سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مدیریت بحران زلزله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده فنی مهندسی دانشگاه الزهراء.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ وزین، نرگس؛ پورطاهری، مهدی، ۱۳۸۶، فرایند مدیریت بلایای طبیعی در دو شیوه بومی و جدید: روستاهای بخش خورش رستم (شهرستان خلخال)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص. ۹۴-۶۳.
- بوالهروی، جعفر و چیمه، نرگس، ۱۳۸۶، ارزیابی فعالیت‌های بهداشت روانی مداخله در بحران زلزله بم: پژوهش کیفی، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱(۶۵)، صص. ۱۳-۷.
- پورطاهری، مهدی، ۱۳۸۹، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه در جغرافیا، انتشارات سمت.

حمدالله سجاسی قیداری و همکاران _____ سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله

پورطاهری، مهدی، سجاسی قیداری، حمداله و صادقلو، طاهره، ۱۳۹۰، ارزیابی تطبیقی روش‌های رتبه‌بندی تکنیک مخاطرات محیطی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان زنجان)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، صص. ۵۴-۳۱.

پورطاهری، مهدی؛ پریشان، مجید؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ عسگری، علی، ۱۳۹۰، سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های مبنایی مدیریت ریسک زلزله (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قزوین)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره یکم، صص. ۱۵۰-۱۱۵.

تسلیمی، عباسعلی، ۱۳۹۰، تأملی بر ضرورت‌های مدیریت بحران و مدیریت کاهش خطرپذیری زلزله، فصلنامه علمی تخصصی دانش مدیریت بحران، سال اول، شماره ۱، دوره پاییز، صص. ۳۸-۱۵.

جعفری، مصطفی، ابن‌رسول، سیداصغر و دیده‌ور، فاطمه، ۱۳۸۵، نقش مدیریت دانش و فناوری اطلاعات در مدیریت ریسک پروژه، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی، شماره ۵، جلد ۱۷، زمستان، صص. ۳۷-۳۱.

دانیپورت، تامس و پروساک، لارنس، ۱۳۷۹، مدیریت دانش، ترجمه حسین رحمان سرشت، نشر ساپکو، تهران.

دراپک، ای، توماس و جی هواتمر، جرالده، ۱۳۸۳، مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی برای دولت‌های محلی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران، تهران.

رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۰، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ چهارم، انتشارات نشر قومس، تهران.

شریفی، جابر، ۱۳۸۸، لزوم به‌کارگیری فرهنگ و مدیریت جهادی در مدیریت بحران، مجموعه کامل مقالات دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.

گرکز، یونس، گرکز، محمد و عطرحیان، محمدرضا، ۱۳۸۳، اصول مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه و بلاای طبیعی، در یازدهمین کنفرانس دانشجویان عمران سراسر کشور، دانشگاه هرمزگان.

مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سرشماری نفوس و مسکن.

- مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، گزارش اولیه زمین‌لرزه شهرستان گشت.
- معصوم، جلال، ۱۳۸۲، مدیریت حوادث غیرمترقبه در روستا، ماهنامه آموزشی، پژوهشی و ترویجی دهیاری‌ها، شماره ۶، صص. ۱-۸.
- موسوی، سیروس، ۱۳۹۰، قابلیت‌های دهیاری در مدیریت بحران در روستاها، ماهنامه آموزشی، پژوهشی و ترویجی دهیاری‌ها، شماره ۳۶، صص. ۳-۶.
- نکودری، مریم و یعقوبی، نورمحمد، ۱۳۹۰، بررسی عوامل تسهیل‌کننده مدیریت دانش در سازمان مدیریت بحران، پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص. ۹۵-۱۱۹.
- وزین، نرگس، ۱۳۸۶، نقش دانش بومی و نوین در کاهش آسیب‌های محیطی در روستاها (مطالعه موردی: بخش خورش رستم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- یاراحمدی خراسانی، مهدی، ۱۳۸۴، بحران واقعی‌تی جدایی‌ناپذیر از سازمان‌ها، مجله مدیریت، شماره ۱۰۲، صص. ۴۳-۴۷.
- Coppola, D.P., 2007, **Introduction to International Disaster Management**, Oxford, UK: Butterworth, Heinemann, Burlington.
- Davenport, T. & Grover, V., 2001, **Knowledge Management**, Journal of Management Information Systems, 18(1), PP. 3-4.
- Ghafory, M., 2005, **Earthquake Risk Management Strategies: Iranian Experience, Tehran**, UNESCO off and International Institute of Earthquake Engineering and Seismology (IIEES), PP. 1-9.
- Hansson, K., Danielson, M., Ekenberg, L., 2008, **Assessment of a Flood Management Formwork**, International Journal of public Information Systems, Vol. 1, PP. 25-37.
- Jaques, Tony, 2007, **Issue Management and Crisis Management: An integrated, Non-linear**, Relational Construct Original Research Article Public Relations Review, 32(2), PP. 147-157.

حمدالله سجاسی قیداری و همکاران _____ سنجش سطح دانش مدیریت بحران مدیران محلی روستایی با تأکید بر زلزله

Marwitz, Steve, Neil Maxson, Bill Koch, Todd Aukerman, Jim Cassidy, David Belonger, 2008, **Corporate Crisis Management: Managing a major crisis in a chemical facility**, Journal of Hazardous Materials, 159(1), PP. 92-104.

Phillips, Jason, 2010, **Evaluating the Level and Nature of Sustainable Development for a Geothermal Power Plant**, Renewable and Sustainable Energy Reviews 14, PP. 2414–2425.